

اسناد و مدارک مبنی بر قتل یهودیان یوگسلاوی

این روزها در آستانه آمدن ویلکو کینل رئیس بخش یهودیان در پلیس امنیتی به سارایوو قرار داریم. وظیفه وی صادر نمودن حکم برای فعال سازی اقدامات لازم به منظور حل مسئله یهودیان در سارایوو میباشد. هر گونه مساعدت تمامی ارگانهای دولتی به منظور اجرای دستاوردی که به وی ابلاغ گشته است لازم میباشد.

نامه اوگن کواترنیک، رئیس پلیس امنیتی در کرواسی به فرمانداری ناحیه بوسنی در تاریخ 20.10.1941 .

گزارش پیرامون اعدام نمودن یهودیان در تاریخ 9 و 11 اکتبر 1941

فرمان : در 8 اکتبر 1941 دستور اعدام نمودن 2,200 یهودی که در اردوگاه بلگراد بودند صادر شد .

اجرا : پس از بررسی اساسی مکانها و تدارکات مناسب، اولین اعدامها در تاریخ 9 اکتبر به اجرا گذاشته شدند.

در ساعت 5:30 {صبح} اولین زندانی ها از اردو گاه بلگراد خارج شدند .

توزیع بیل های حفاری و ابزار دیگر باعث شد که آنها خیال نمایند که برای انجام کار از آنجا خارج میشوند.

اشیاء با ارزش و وسایل دیگر در حین نظارت، جمع آوری شده و به {...} پلیس امنیتی (S.D.) واگذار گشتند.

زندانی ها را در فاصله هشت کیلومتری از مکان اعدام به کار گرفتیم، و بر حسب لزوم زندانی ها از آنجا به مکان اعدام برده شدند. اعدام به وسیله تیر اندازی با تفنگ از فاصله 12 متری اجرا گشت و پنج تیرانداز برای هر محکوم به اعدام تعیین گمارده شدند ...

دو تیرانداز در اختیار پزشک گذاشته شدند تا در صورت لزوم و بر حسب دستور وی، با تیر زدن در سر به هلاکت برسانند.

در 9 اکتبر، به 180 نفر تیر اندازی شد . در ساعت 18:30 همه چیز تمام شده بود . هیچگونه اتفاق خاصی رخ نداد . یگان با احساس رضایت به اردوگاه بازگشت.

سارایوو، گزارش به یافه، فرمانده عملیات

2,100 یهودی و کولی به انتقام کشتار 21 عضو وورماخت (ارتش آلمان) در مجاورت توپولا، اعدام خواهند گشت. این امر توسط نظامیان اجرا خواهد شد. پلیس امنیتی تنها موظف به تامین تعداد لازمه میباشد. تعداد 805 یهودی و کولی از اردوگاه شابتس و مابقی از اردوگاه موقت مخصوص یهودیان در بلگراد (اردوگاه توپووسکا شوپا) آورده خواهند شد .

گزارش پلیس امنیتی به دفتر مرکزی انیت رایش، 9.10.1941.

سری، 1.11.1941

گزارش در مورد اعدام یهودیان و کولی ها

بر طبق هماهنگی با نهادهای مسئول در اس.اس. یهودیان انتخاب شده و همچنین کولی ها را از اردوگاه بازداشت به بلگراد انتقال دادم. کامیونهای فرماندهی رزمی 599 (بلگراد) که در اختیار من قرار داده شده به دو دلیل مناسب به نظر نمیرسند:

1. رانندگان آنها غیر نظامی هستند و این به محرمانه بودن مسئله

صدمه وارد مینماید.

2. کامیون ها فاقد هرگونه سقف یا پوشش میباشند و اهالی شهر حمل شدگان را مشاهده میکنند و میبینند که مقصد آنها کجاست. هنگام راهی شدنمان، همسران افراد یهودی در کنار اردوگاه زنان یهودی جمع شده بودند و فریاد و ناله میکردند. محلی که برای اعدام انتخاب شده مناسبترین مکان است ... و به کمک معدود افرادی میتوان از فرار نمودن زندانی ها جلوگیری نمود. همچنین زمین ماسه ای آن محل حفر کردن گودالها را آسان میسازد و مدت زمان حفاری را کوتاه تر میکند.

هنگامیکه به فاصله 1.5-2 کیلومتری از محل انتخاب شده رسیدیم، زندانیها از کامیونها پیاده شدند و کامیونها فوراً از آنجا برگردانده شدند تا بتوان وقایع رخ داده را تا حد امکان از دید رانندگان پنهان نمود. سپس

به دلایل تاکیدات امنیتی و سری، دستور توقف عبور وسایل نقلیه در جاده مجاور را دادم. محافظت از منطقه تیراندازی به وسیله 3 عدد مسلسل سبک و 12 تفنگدار تامین گشت تا:

الف: جلوگیری از تلاش برای فرار

ب: حفاظت منطقه از حمله احتمالی باندهای ساریوویی.

اغلب زمان به حفر کردن گودال ها اختصاص داده شد. عملیات اعدام زمان کوتاهی وقت گرفت (حدود 100 نفر در هر 40 دقیقه). وسایل و اشیاء گرانبها قبلاً جمع آوری شده و بر روی ماشین من بارگیری شدند، و سپس به NSV (انجمن رفاه نازی) واگذار گشتند.

کشتار یهودیان ساده تر از کولی ها است. باید گفت که یهودیان با آرامش به سوی مرگ خویش قدم می زنند. ایشان بی سر و صدا می ایستند، در حالیکه کولی ها با وجود اینکه حتی در مکان تیراندازی ایستاده اند، بی وقفه داد و فریاد می زنند و حرکت میکنند. شماری از آنها حتی قبل از شروع تیر اندازی، به داخل گودال ها پریدند و تظاهر به مردن کردند.

این اعدام ها در اول تاثیر زیادی بر روی سربازان نداشتند، اما در روز پس از آن میتوان احساس نمود که اعصاب برخی از سربازان به دلیل اینکه مدت طولانی مشغول اعدام کردن هستند، به هم ریخته است. پس از نظارت شخصی، بر این باورم که در زمان اجرای اعدام ها، نشانه ای از آسیبهای روحی (در نزد سربازان) قابل مشاهده نیست. اما پس از سپری شدن چندین روز، هنگامیکه که افراد در سکوت خود در شبها به آنچه بر آنها گذشته است فکر میکنند، این علائم آشکار میشوند.

ولتر - اورلونت

اورلونت هنس دیتریخ ولتر. لشکر پیاده نظام 433 سپاه 734، فرمانده مسئول اعدام

بخشنامه محرمانه تورنر، رئیس دستگاه مدیریت مدنی در سارایوو برای واحدهای مختلف نظامی، 26 اکتبر 1941:

باید دوباره تاکید نمایم که یهودیان و کولی ها به طور کلی باعث بی ثباتی هستند و به این دلیل موجب به خطر انداختن نظم و امنیت عمومی میشود. این مغز یهودی است که باعث وقوع جنگ شده و بنابراین ما باید آن را نابود کنیم. به طور واضح ثابت شده است که عنصر یهودی دارای اهمیت بخصوصی در نزد رهبران باندها (پارتیزانها) میباشد. بنابر این واضح است که باید تمام مردان یهودی و کولی ها را به عنوان گروگان زندانی کرده و در اختیار ارتش قرار داد.

نابودسازی سریع و بی رحمانه مسئله یهودیان در سارایوو ضرورتی فوری و هدفی واجب است. به دنبال مجوز رسمی از وزارت امور خارجه برای وارد کردن حداکثر فشار بر روی فرمانده ارتش سارایوو می باشیم. انتظار هیچ مقاومتی از طرف دولت و ملت سارایوو نیست.

... همچنین لازم به صدور دستور از طرف رایخسفیهرر اس.اس. به رئیس تشکیلات عملیاتی پلیس امنیتی {در سارایوو} شتندرتنغیهرر فوکس میباشد.

ادموند وزنمیر، دیپلمات آلمانی ارشد در زاگرب پایتخت کرواسی مستقل و فیلیکس بنتسلر، نماینده وزارت امور خارجه آلمان در بلگراد در تلکسی به وزارت امور خارجه آلمان، 10 سپتامبر 1941.

حدس میزنم که مطلع هستی که اینجا جهنم واقعیست ... پنج ماه پیش 600 نفر اولی را اعدام کردم. از آنموقع حدود 2,000 نفر (صربی) دیگر در خلال عملیات پاکسازی اول و نیز حدود 1,000 نفر (صربی) را در عملیات دوم به هلاکت رساندیم. در این فی مابین دستور اعدام دو هزار یهودی و دویست کولی را صادر نمودم... حساب این بر طبق 200 نفر اعدامی برای هر سرباز آلمانی کشته شده میباشد.

... حدود 2,200 نفر که اکثر غریب به اتفاقشان یهودی میباشند در هشت روز آینده اعدام خواهند گشت. این کار چندان لذت بخشی نیست، ولی بر ما واجب است که آن را انجام دهیم تا به این افراد معنای حمله به سرباز آلمانی را نشان دهیم. علاوه بر این، بدین منوال مسئله یهودیان به

سرعت باد حل خواهد گشت. اگر بخواهیم دقیق عمل نماییم، باید گفت که اعدام این شمار یهودی در برابر هر کشته آلمانی توجیهی ندارد، البته منظور به اتباع صربی است، ولی با این وجود آنها در آنجا در اردوگاه (تمرکز) بودند، و به هر حال آنها تبعخ صربستان هستند و باید ناپدید میشدند.

17.10.1941 - نامه تورنر، رئیس دستگاه مدیریت مدنی در صربستان، به دوستش هیلدبرند، فرمانده پلیس و اس.اس. در دنتسیگ - برگرفته شده از مدارک نورنبرگ

ردمخر (رئیس دایره امور یهودیان در بخش آلمان در وزارت امور خارجه آلمان) در نامه ای که در تاریخ 13 سپتامبر 1941 به دست لوتر (مدیر بخش آلمان در وزارت امور خارجه آلمان):

بنده نمی توانم تقاضای قاطع کاردار وزارت امور خارجه در بلگراد پیرامون فرستادن مردان یهودی به رومانی یا {در صورتی که فرستادن آنها به آنجا غیر ممکن میباشد} به گنرال گورنمنت و یا به اتحاد جماهیر شوروی را قبول نمایم. شوروی صحنه عملیات های نظامی می باشد و بدین خاطر به هیچ عنوان برای جذب این یهودیان مناسب نیست. اگر آنها {امنیت} سارایوو را به خطر می اندازند، خطر ایشان در شوروی چند برابر خواهد بود. گنرال گورنمنت مملو از یهودیان است. به نظر بنده نگهداری یهودیان در داخل اردوگاهها، با توسل به اقدامات شدید و تصمیمات قطعی، امکانپذیر است. در صورتیکه این یهودیان مانند گذشته دست به اغتشاش بزنند، بایستی بر ضد آنها شدیدترین قوانین اظطراری را اعمال نمایم. اگر از اول شمار زیادی از گروگان ها اعدام گردند، بنده گمان نمیبرم که

... یک یگان آلمانی که شامل حدود 150 نفر بود به این مکان وارد شد. به آلمانها نهار داده شد. در پایان غذا، گروهی که شامل 50 نفر بودند، با لباس شهری از میان مزرعه ذرت خارج شدند و دیدم که یهودی هستند. هر کدام از آنها باید در کنار بیلچه ای می ایستاد... در حالیکه صورتش به سمت گودالها بود. چهار سرباز آلمانی که پتویی در دست داشتند به یهودیان نزدیک شدند و آنها شیئی را به داخل پتو می انداختند. فکر میکنم که پول و وسایل گرانبهای دیگر بود. سپس فرمانی از زبان افسر آلمانی داده شد و سربازان از پشت تیر اندازی کردند، دو سرباز برای هر

یک نفر یهودی. فوراً به سمت گودال دویدیم و کشته‌ها را به داخل آن پرتاب کردیم. سپس به ما دستور دادند که اجسام با ارزش مانند ساعت و پول را جمع آوری کنیم و حلقه‌ها را از انگشتان آنها در بیاوریم. از آنجا که در موارد زیادی حلقه‌ها از انگشتانشان بیرون نمیامد، به من انبردست دادند و من حلقه‌ها را بریدم و به آنها دادم. پیش از پرت کردن اجساد، دیدم که چطور آلمانها از دهان کشته شدگان دندانهای طلایشان را از جا می‌کنند و هنگامی که موفق به این کار نمیشدند، با کفشهای میخدارشان به آنها لگد می‌زدند.

هنگامیکه کار با گروه اول به پایان رسید، ما را از آنجا دور کردند و گروه جدیدی را آوردند و آنها را نیز به هلاکت رساندند... فردای آنروز به آن مکان بازگشتیم و عملیات قتل ادامه یافت... علی‌رغم اینکه در روز اول تنها به یهودی‌ها تیر اندازی شد، روزهای بعدی بیشتر کولی‌ها را تا یهودی‌ها کشتند.

در حین روند اعدام، تعدادی از آلمان‌ها از رویدادهای مختلف عکس گرفتند، به عنوان مثال از قربانیان پیش از تیراندازی... حمل اجساد، گردان‌های تیراندازی و غیره. در عصر اولین روز نتوانستیم که روی تمام اجساد را بپوشانیم. روز بعد هنگامی که به آنجا آمدم، متوجه شدیم که تعدادی سگ گوشت‌مرده‌ها را خورده‌اند. یکی از آلمانها سگی را کشت و گفت "اینها هم سگ هستند" و کشته‌ها را نشان داد "و این برادرشان" و سگی را که کشته شده نشان داد.

برگرفته شده از شهادت میلورد یسلیچ (Jeselic)، فرد کولی که عضو گروه قبرکنان بود، در مورد قتل یهودیان اردوگاه بازداشت درسنییک (Senjak)، اردوگاه مجاور لشاوتس، در دهکده متروکه زاساویتسا (Zasavica) در تاریخ 12.10.1941.